

معصومه محمدی سیف

جامعه‌شناسی

پوشاک سنتی و زیورآلات

زنان ایران زمین



معصومه محمدی سیف

جامعه‌شناسی
پوشاک سنتی و زیورآلات
زنان ایران زمین



سرشناسه	: محمدی سیف، معصومه، ۱۳۶۲
عنوان و نام پدیدآور	: جامعه‌شناسی پوشاک سنتی و زیورآلات زنان ایران زمین/ مولف معصومه محمدی سیف.
مشخصات نشر	: تهران: اندیشه احسان، ۱۳۹۸.
مشخصات ظاهری	: ۵۸۷ ص: مصور (رنگی)؛ ۵/۱۴×۲۱/۵ س.م.
شابک	: ۹۷۸-۶۲۲-۶۰۲۶-۴۵-۱
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
موضوع	: پوشاک محلی -- ایران
موضوع	: *Iran -- Local Costume
موضوع	: زیورها -- ایران
موضوع	: Iran -- Jewelry
رده بندی کنگره	: ۱۳۹۷ ج ۲۴۴/۳۰ GT1۴۲۰
رده بندی دیویی	: ۰۰۹۵۵/۳۹۱
شماره کتابشناسی ملی	: ۵۳۴۲۴۷۱



جامعه‌شناسی پوشاک سنتی و زیورآلات زنان ایران زمین

مؤلف: معصومه محمدی سیف	
تولید فنی: زهرا قربانی	دبیر انتشارات: محمدعلی مدنی
نوبت چاپ: اول ۱۳۹۸ شمارگان: ۵۰۰	قیمت: ۹۵۰۰۰ تومان
طراح و گرافیک: پرویز بیانی	چاپ و نشر: هوران
تمامی حقوق این اثر محفوظ است. تکثیر یا تولید مجدد آن کلاً و جزاً (چاپ، فتوکپی، صوت، تصویر و انتشار الکترونیکی) بدون اجازه مکتوب ناشر ممنوع است و پیگرد قانونی دارد.	

دفتر نشر: تهران، خ انقلاب، روبروی درب اصلی دانشگاه تهران، پاساژ فروزنده، ط ۲، واحد ۵۰۷

تلفن: ۰۲۰۶۶۴۶۶۰۰۲ - تلگرام: ۰۹۱۹۱۵۵۱۸۰۲ - سایت: www.andishehehsan.com

فروشگاه: تهران، خ انقلاب، روبروی درب اصلی دانشگاه تهران، پاساژ فروزنده، طبقه همکف، واحد ۳۰۷

تلفن: ۰۲۰۶۶۴۶۶۰۰۱ - sociologybookstore  andishe_ehsan 

هذا من فضل ربی

تقدیم به

اسطوره‌های زندگی‌ام؛ پدر و مادر عزیزم

و

تقدیم به زنان برومند سرزمینم، فرشتگانی

که با هر فرهنگ و قومیتی، با حفظ اصالت

خویش، برای ایران و ایرانی گام برمی‌دارند

و فرهنگ خویش را زنده نگه می‌دارند.

پیشگفتار

«سابقه‌ی سنت به گذشته‌های دور برمی‌گردد. زمانی که انسان زندگی کردن را آغاز کرد. در تعریف سنت می‌توان این‌طور گفت: «آن نوع رفتاری که از فرط قدمت و تکرار به شیوه‌ی خودانگیخته‌ای از عمل تبدیل شده است، سنت نامیده می‌شود» (آرون، ۱۳۷۰: ۵۹۵). «سنت، مترادف است با اعتقاد به خلل‌ناپذیر بودن آن چه همیشه این چنین بوده است» (وبر، ۱۳۷۴: ۳۴۰). از این رو، پوشاک سنتی زنان ایرانی، تجلی‌گاه فرهنگ و هنرهای بومی این اقوام است که دارای تنوعات بسیاری است و از آن‌جایی که این تنوعات، دارای زیبایی‌ها و جذابیت‌های خاصی هستند، در نوع خود کم‌نظیر بوده، حفظ و انتقال آن به نسل‌های آینده، بسیار ارزش‌مند است؛ زیرا در دوران جدید به حکم سیر زمان و تحول اوضاع اجتماعی و روابط با ملل اروپایی، تغییرات فراوانی در طرز پوشاک و البسه‌ی ایرانیان به‌وجود آمده و کم‌کم فرم و شیوه‌ی خودآرایی غربی در بین بسیاری از اقوام معمول گشته است. پوشاک در ایران زمین در بین اقوام مختلف به مقتضای ویژگی‌های اقلیمی درجه، تمدن و فرهنگ، عقاید مذهبی و آداب و رسوم دستخوش دگرگونی‌های بسیاری شده است. به‌خصوص پوشاک سنتی زنان ایران زمین در هر نقطه‌ای، که اگر به عنوان فرهنگی غنی و ارزشمند مورد توجه قرار نگیرد، جای خود را به طور کامل به تولیدات صنعتی جدید با رواج بی‌حد و حصر خویش خواهد داد و پدیده‌ی مدگرایی با جاذبه‌ی فراوان خود هم‌چنان بر تعداد علاقه‌مندان به مدهای غربی خواهد افزود. از این رو، «در بررسی لباس از نگاه سنت و در جامعه‌ی سنتی، می‌توان قالب‌های از پیش تعیین شده‌ای را در نظر گرفت که هر کدام، گروهی از افراد جامعه را دربر می‌گیرد. هر سبک لباس، مربوط به قشر یا گروهی از مردم می‌شود. قالب‌هایی نظیر مردانگی، زنانگی، اشرافیت، طبقه‌ی اجتماعی و شغلی، عوام بودن، تأهل و مجرد از قالب‌های مرسوم لباس در جامعه‌ی سنتی است که برای بیان آن موقعیت، مورد استفاده قرار می‌گیرد» (باباذری، طیبی، ۱۳۹۶: ۱۷). از این رو، پوشاک سنتی زنان

ایران زمین همچون آداب و رسوم و هنرهای دستی، مملو از خلاقیت، زیبایی، و جذابیت می‌باشد که همواره مورد توجه انسان‌های ماشینی و گرفتار در زندگی شهری می‌شود. به همین دلیل، شناسایی و شناساندن این فضاها و فراهم آوردن امکانات جهت حفظ و پاسداری از انواع پوشاک سنتی زنان آریان زمین، هنر مسلم مدیریت در عصر مدرنیته است که علاوه بر افزایش نشاط و شادابی در جامعه، از نظر اقتصادی نیز، سود سرشاری به همراه خواهد داشت. از طرفی استفاده از انواع پوشاک سنتی می‌تواند به‌عنوان نمادی از سرزمین ایران، چهره‌ی تاریخی و گذشته‌ی پرافتخار ایران را در بین جهانیان طنین‌انداز نماید. از جنبه‌ی دیگر، لباس اقوام ایرانی به تنهایی می‌تواند جاذبه‌ای برای گردشگری باشد. لباس‌هایی که هر کدام حکایت خود را دارند و برخی شان هم آرام آرام فراموش می‌شوند و جای خود را به زمختی جین‌های جاری در بازارهای شهر می‌دهند. این روزها که حرف از گردشگری خلاق در میان است، بهتر است یکی از مهم‌ترین اهرم‌های رسیدن به آن هم احیا شود. در این گونه، گردشگران در قامت شهروند به کشورهای مختلف جهان سفر می‌کنند و قصدشان زندگی با مردمان آن منطقه برای آشنایی با فرهنگ و رسوم آن دیار است، در این بین می‌توان گفت که پوشاک سنتی بهترین راه برای معرفی فرهنگ چندین هزار ساله‌ی اقوام ایرانی در بین سایر ملل می‌باشد. این در حالی است که کشور ایران متأسفانه از جاذبه‌های این چنینی روز به روز دورتر می‌شود و اگر در بازارهای شهر قدم بزنید، اثری از لباس‌های رنگین و چشم‌نواز در بین پوشش‌های معمول مردم مشاهده نمی‌شود. چنین می‌توان گفت که این امر، هشدار برای آینده‌ی پوشاک سنتی در ایران می‌باشد.

از این رو، پوشاک سنتی به عنوان پدیده‌ای هنری، روایت‌گر فرهنگ، سلیقه و بیش از آن اجتماعی هر قوم می‌باشد که امروزه، متأسفانه با رواج جاذبه‌های مدرنیستی به‌ویژه جلوه‌های کاذب و مدگرایی، رنگ، شکل، طرح و بافت اصلی آن کم‌رنگ شده است. پوشاک سنتی جای خود را به مدهای بی‌پایه و اساس غربی داده و هر روز از علاقه‌مندان به پوشاک سنتی در میان مردم کاسته شده، پوشش‌های امروزی جایگزین

آن‌ها می‌گردد. همان‌طور که شاهدیم در برخی از شهرها که گنجینه‌ی عظیمی از قومیت‌های مختلف را داراست، استفاده از لباس‌های محلی تنها در برخی از مراسم و جشن‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد که باعث بسی تأسف و نگرانی است.

پژوهش میدانی نگارنده، حاکی از این است که با وجود این که پوشش‌های سنتی، جایگاه خود را به تولیدات صنعتی جدید داده‌اند، اما هنوز هم از علاقه‌مندان به پوشاک سنتی کاسته نشده و طرفداران خود را در اقصا نقاط جهان حفظ نموده است. از آن‌جایی که پوشاک در طول تاریخ و در بین اقوام و ملل مختلف، اهمیت ویژه‌ای داشته است و همواره نماد فرهنگی یک کشور محسوب می‌شود، و یکی از وجوه تمایز اقوام از یکدیگر نیز به شمار می‌رود، نگارنده درصدد کشف زیبایی‌ها و پیچیدگی‌ها در نوع پوشاک سنتی زنان خطه‌ی ایران زمین برآمده و اجزاء مختلف آن را مورد بررسی قرار داده است.

پژوهش در بین زنان مناطق مختلف ایران انجام گرفته و با توجه به نتایج به دست آمده، براساس اطلاعات موجود، هنوز هم برخی از زنان که بیشتر آنان متعلق به اجتماعات گوناگون ایل - عشیره‌ای، روستایی - دهقانی و اندکی نیز زنان سالخورده شهری می‌باشند، علاقه‌مند به استفاده از پوشاک سنتی بوده و استفاده از آن را به عنوان هویت قومی و ملی دانسته، همواره این نوع پوشش را به نسل‌های پس از خود نیز تا جایی که امکان دارد، انتقال می‌دهند.

روش این پژوهش، توصیفی و تشریحی بوده و نوع روش پژوهش نیز توصیفی - تحلیلی می‌باشد که از روش‌های اسنادی و میدانی (مشاهده) بهره می‌جوید. ابزار اندازه‌گیری و گردآوری اطلاعات در انجام این پژوهش، مصاحبه، کتابخانه‌ای و آرشیوی، مشاهده، فیش‌برداری، بانک‌های اطلاعاتی و شبکه‌های کامپیوتری و هم‌چنین از نظر هدف نیز کاربردی می‌باشد. در این پژوهش، تأکید بیشتر بر جنبه‌ی زیبایی‌شناسی نوع پوشاک سنتی زنان ایران زمین است و سعی بر توصیف دقیق زیبایی‌های آنان است.

به اعتقاد نگارنده، تکیه بر غنای فرهنگی خویش و پاسداری از آن و شناخت ارزش‌های پوششی بانوان اقوام ایرانی که جزو سرمایه‌های فرهنگی کشور محسوب می‌شوند، بسیار مهم و در خور توجه است. با همه‌ی اهتمام و دقتی که در تهیه و چاپ این مجموعه انجام شده است، احتمالاً اشکالات و کوتاهی‌هایی در آن مشاهده می‌گردد که قبلاً از اساتید گرامی و خوانندگان عزیز در این زمینه عذرخواهی می‌شود. لازم به ذکر است که حفظ این پوشش‌ها به منظور مقابله با فرهنگ مهاجم و حرمت گذاشتن به اصالت‌ها ضروری است. هم‌چنین، فراهم کردن زمینه‌ی نگاه ریشه‌ای مردم به مقوله‌ی پوشاک سنتی اقوام ایرانی در کنار نگاه علمی به این موضوع و پرداختن به آن در دانشگاه‌ها از عوامل تأثیرگذار در حفظ اصالت‌های این بخش از فرهنگ می‌باشد. در پایان خداوند را بر این نعمت، سپاس گفته و امیدواریم که اولاً این پژوهش به‌عنوان یک اثر ماندگار مورد استفاده‌ی همه‌ی طالبان به‌ویژه اساتید محترم دانشگاه‌ها و دانشجویان و جوانان این مرزوبوم قرار گیرد و ثانیاً توفیق ادامه‌ی این گونه تلاش‌های علمی و فرهنگی در زمینه‌ی پوشاک سنتی مردمان این مرزوبوم به دیگر پژوهش‌گران و فرهنگ دوستان عطا گردد. از اساتید عزیزم از اقصا نقاط ایران که صمیمانه و بدون هیچ چشم‌داشتی دانسته‌های خود را در اختیارم قرار دادند تشکر می‌کنم و خود را مدیون لطف و همکاری‌های بی‌دریغ هم‌وطنان ترک، کرد، لر، بلوچ و... می‌دانم. امید است حاصل این مجموعه ره‌آورد مناسبی در استیلای فرهنگ پوشاک سنتی در جامعه‌ی ایران بوده باشد.

و من الله توفیق

۹۵/۵/۵

معصومه محمدی سیف

فهرست مطالب

۷	پیشگفتار.....
۳۷	کلیات پژوهش.....
۳۷	مقدمه و بیان مسئله.....
۳۹	اهمیت و ضرورت پژوهش.....
۴۱	پیشینه و هدف پژوهش.....
۴۶	اهمیت پوشاک در فرهنگ ایران.....
۴۹	فصل اول: پوشاک سنتی زنان ترک همدان.....
۴۹	مقدمه.....
۵۰	پوشاک زنان.....
۵۰	سرپوش.....
۵۰	چارقده.....
۵۰	روبند.....
۵۰	عرقچین.....
۵۱	شِده (عمامه).....
۵۱	تن پوش.....
۵۱	کُوینک.....
۵۱	«شوال قری» یا «قرقره تومبان».....
۵۱	آرخالق.....
۵۲	دُوش لوق.....
۵۲	پاپوش.....
۵۲	بوتون.....
۵۲	ساغری.....
۵۲	اُرسی.....
۵۲	گاُش.....
۵۳	فصل دوم: پوشاک سنتی زنان گیلانی، اوج هنر در نقش و نگار.....
۵۳	مقدمه.....

۵۵	سرپوش زنان گیلان.....
۵۵	سربند.....
۵۵	لچک و چارقد.....
۵۶	مندل.....
۵۶	سراقوچ.....
۵۶	شال.....
۵۷	پاتونه.....
۵۷	تن‌پوش زنان گیلان.....
۵۷	الجا قبا.....
۵۷	پیراهن.....
۵۷	جومه.....
۵۸	جلیقه.....
۵۸	نیم‌تنه یا یل.....
۵۸	کلیجه.....
۵۹	شلیته یا چرخ‌ی شلوار.....
۵۹	نیم‌ساق.....
۵۹	چادر کمر یا چادرشو.....
۶۰	پاپوش زنان گیلان.....
۶۰	جوراب.....
۶۱	کوش.....
۶۱	گالش.....
۶۱	چاروق.....
۶۲	زیورآلات زنان گیلان.....
۶۲	تنوع پوشاک زنان گیلان از نگاه سیاحان.....
۶۴	نتیجه‌گیری.....
۶۷	فصل سوم: پوشاک سنتی زنان مازنداران.....
۶۷	سرپوش زنان.....
۶۷	چارقد.....
۶۷	مندل.....
۶۷	سراقوچ.....
۶۷	گیس‌بند یا موباف.....

۶۸	تن پوش زنان
۶۸	شلیته یا چرخشی شلوار، تمبون قمبلی
۶۸	نیم ساق
۶۸	جومه
۶۸	نیم تنه
۶۹	کلیجه
۶۹	چادر شو
۶۹	پاپوش زنان
۶۹	جوراب
۶۹	کوش
۶۹	گالش
۶۹	چاروق
۶۹	پاتونه
۷۰	زیور آلات
۷۰	قلدون یا گلویند
۷۰	قرافل یا قرنفل
۷۰	سنگ دل ربا یا بذر افشان
۷۰	خلخال یا سوسکی
۷۰	چشم چین
۷۰	گرد رو
۷۱	فصل چهارم: پوشاک سستی زنان ارمنی ایران
۷۱	مقدمه
۷۲	سرپوش ها
۷۳	شوشداک
۷۳	گولالاچیک
۷۴	بشرتیک
۷۴	گود
۷۴	باشماخ
۷۴	«آشم»
۷۵	لاچیک یا لاچاک
۷۵	چارچاب

۷۶	تن پوش ها
۷۷	میتان
۷۷	تاگالا
۷۸	مندیل
۷۹	شوشداک
۷۹	بالیش یا بارتس گود
۷۹	یاخشام یا یامشاق
۷۹	دنچگال
۷۹	گرلیک یا کرلیک
۷۹	شاییک
۸۰	اوبگا
۸۰	کولاجا
۸۱	تونبان
۸۱	شالوار
۸۲	پاپوش
۸۲	ماشیک
۸۲	گولبا
۸۲	ملک
۸۳	زیورآلات زنان ارمنی
۸۵	فصل پنجم: پوشاک و زیورآلات زنان گرج ایران
۸۵	مقدمه
۸۶	پوشاک گرج‌های ایران
۸۷	اوند شوکرت
۸۸	برانگی
۸۹	چیکیل
۸۹	ژیلتی
۹۰	عرق چین
۹۰	دیپچری
۹۱	جاکتی
۹۱	زیورآلات گرجی
۹۱	بلگه

۹۲.....	آرخالقی
۹۳.....	نتیجه گیری
۹۵.....	فصل ششم: پوشاک سستی زنان ترکمن
۹۵.....	مقدمه
۹۷.....	پوشاک ترکمنی، ترکیبی از دوره های مختلف تاریخ
۹۹.....	اجزاء پوشاک زنان ترکمن
۱۰۰.....	دسته اول: سربندها
۱۰۰.....	کلاه
۱۰۱.....	بُزروک (عرفچین)
۱۰۲.....	توپپی
۱۰۳.....	یلک
۱۰۳.....	چارقد
۱۰۴.....	روسری
۱۰۴.....	باشماق (یالق)
۱۰۵.....	چاشو
۱۰۶.....	تن پوش ها
۱۰۷.....	نیم تنه
۱۰۷.....	جبه
۱۰۷.....	کوبنک
۱۰۹.....	کوبنک
۱۰۹.....	ینگ
۱۱۰.....	قبا
۱۱۰.....	شاوت (چاوت)
۱۱۱.....	قوشاق (کمر بند)
۱۱۱.....	مونجوق قوشاق
۱۱۲.....	چاوک
۱۱۲.....	یاپینجا
۱۱۲.....	کُرته
۱۱۳.....	چیرپی (سیرپی)
۱۱۴.....	چارؤد، جُبه
۱۱۴.....	چاکمن

۱۱۴	ایچمک
۱۱۵	شلوار (بالاق)
۱۱۵	دون (قبا)
۱۱۶	بالاق (شلوار)
۱۱۷	چابیت
۱۱۸	پاپوش‌ها
۱۱۸	جوراب، آیاق قاب
۱۱۸	کفش، کش
۱۱۹	قینگاج
۱۱۹	صنایع دستی
۱۲۲	جایگاه رنگ قرمز در بین ترکمن‌ها
۱۲۳	زیورآلات زنان ترکمن
۱۲۵	۱- زیورآلات مخصوص پوشاک
۱۲۵	تینه‌چیر (تنه‌چور)
۱۲۶	چاپراز
۱۲۶	سکه
۱۲۶	گل یقه (گل یاقا)
۱۲۷	بقو، بیقاو، بقوطوق (بوقاو)
۱۲۸	طومار
۱۲۸	بازبند (بازوبند) «قول‌باغ»
۱۲۹	گون جیک
۱۲۹	آچاربا
۱۲۹	دواجق
۱۲۹	۲- زیورآلات مربوط به سر و سینه
۱۲۹	قُبه (قُبه)
۱۳۰	قولاق حلقه
۱۳۱	سن سوله
۱۳۱	آسیق، زنجیره
۱۳۲	اوگر مه (توپ‌بی)
۱۳۲	آل مالگا
۱۳۲	آلاجا
۱۳۲	زیورهای مجزا

فهرست مطالب ۱۷

۱۳۲.....	دستبند بوزالیک
۱۳۳.....	خلخال بورمه
۱۳۴.....	حلقه (یوزیک)
۱۳۴.....	قوشاق (زیور کمر)
۱۳۵.....	نقش‌های مورد استفاده در زیورآلات ترکمن
۱۳۵.....	آلادنگی / آلتاقی (آلادنگی)
۱۳۶.....	پیشانی‌بند، آتق
۱۳۷.....	انسه لیک
۱۳۷.....	قیناچ اوجی
۱۳۷.....	چکه لیق
۱۳۸.....	قنجیق
۱۳۸.....	بوکاو
۱۳۸.....	اگمه
۱۳۹.....	قورثاقچه
۱۳۹.....	چنگه
۱۳۹.....	آچار باق
۱۳۹.....	آق بای
۱۳۹.....	نتیجه‌گیری

۱۴۳.....	فصل هفتم: لباس سستی زنان کهکیلویه و بویراحمد
۱۴۳.....	مقدمه
۱۴۳.....	روسری و چارقد
۱۴۴.....	کلاه زنانه
۱۴۴.....	دستمال
۱۴۴.....	دلگ یا ارخالق
۱۴۵.....	جومه (جامه زنان)
۱۴۵.....	جوراب

۱۴۷.....	فصل هشتم: پوشاک سستی زنان ترک آذربایجان
۱۴۷.....	مقدمه
۱۴۸.....	سرپوش زنان ترک آذری (آذربایجان)
۱۴۹.....	بوروک (برک)

۱۴۹	 شال
۱۴۹	 سیاه دستمال (کُلاغی)
۱۵۰	 کلاه نخی
۱۵۰	 چرشو
۱۵۰	 یاللیق و چارقند (چارگت)
۱۵۲	 عرقچین
۱۵۳	 نوع و جنس پوشش زنان آذربایجان
۱۵۴	 تن‌پوش زنان ترک آذری (آذربایجان)
۱۵۴	 پیراهن
۱۵۴	 پیراهن بلند
۱۵۵	 کُونیک
۱۵۵	 تومان (دامن بلند) یا شلیته
۱۵۷	 جُبکن
۱۵۷	 آرکالیک (آرخالیک)
۱۵۸	 لباده
۱۵۸	 کوردو
۱۵۸	 کت (یل)
۱۵۹	 ژاکت
۱۵۹	 شال کمر (کمر)
۱۵۹	 جیلیتقا (جلیقه)
۱۶۰	 چاکشیر
۱۶۰	 چادر شب
۱۶۰	 چادر سیاه
۱۶۱	 دست‌کش
۱۶۱	 لباس کار و شغل
۱۶۱	 لباس مراسم
۱۶۲	 پاپوش زنان ترک آذری (آذربایجان)
۱۶۲	 باشماق (باشماخ)
۱۶۲	 جُراب (جوراب)
۱۶۳	 زیورآلات زنان ترک آذری (آذربایجان)
۱۶۳	 تزئین گیسو در بین زنان ترک آذربایجان
۱۶۴	 پیشینه‌ی پوشش زنان ترک آذربایجان

۱۶۶.....	نتیجه گیری
۱۶۷.....	فصل نهم: پوشاک سنتی زنان کردستان
۱۶۷.....	مقدمه
۱۶۹.....	سرپوش زنان کرد کردستان
۱۶۹.....	سه روین (سرون)
۱۷۰.....	پچ و کلاو
۱۷۱.....	کلاکه
۱۷۱.....	کلاو فس
۱۷۲.....	کلاو زر
۱۷۲.....	هه وری یا کلاتی
۱۷۳.....	دستار (دستمال زینتی)
۱۷۳.....	شدّه
۱۷۴.....	عمامه
۱۷۵.....	لاگیره
۱۷۵.....	لچک
۱۷۶.....	شتونیه یا شال
۱۷۶.....	ره شتی
۱۷۶.....	کلکه
۱۷۷.....	تن پوش زنان کرد کردستان
۱۷۸.....	ماشته
۱۷۹.....	سوخمه
۱۸۰.....	سلته
۱۸۰.....	کوا (که وا)
۱۸۱.....	مرس
۱۸۱.....	شال کمر
۱۸۳.....	دریه
۱۸۳.....	زیرپوش
۱۸۳.....	شووال
۱۸۴.....	پای جامه (گیوه یا کلاش)
۱۸۵.....	انواع زیورآلات زنان کردستان
۱۸۵.....	زیورهای سر و پیشانی

۱۸۵	پلیله
۱۸۵	لاگیره
۱۸۶	ژیر چناکه
۱۸۶	نقیم
۱۸۶	موره
۱۸۶	وره تاقی
۱۸۶	پلکه
۱۸۷	پشته سهره
۱۸۷	زیورهای گردن
۱۸۷	دلربا
۱۸۷	شیلان
۱۸۷	خشل و خاو
۱۸۷	شه وه (شه‌وگ)
۱۸۸	گردنبند میخک
۱۸۸	عاشیق‌بند (عاشق‌بند)
۱۸۸	گواره (گوشواره)
۱۸۹	زیورهای دست
۱۸۹	بازی بن (بازوبند)
۱۸۹	خرخال (النگو)
۱۸۹	کلکه وانه (انگشتر)
۱۸۹	زیورهای کمر
۱۸۹	کمرین زیو
۱۹۰	پابانه یا پابند
۱۹۰	نقش زیورآلات در پوشاک زنان کردستانی
۱۹۱	سکه، شاخصی زیورآلات سنتی کردستان
۱۹۲	اعتقادات و باورهای مربوط به زیورآلات در پوشاک زنان کردستان
۱۹۳	زیورآلات زنان کردستان به قدمت مادهای ایران زمین
۱۹۶	اصالت و تنوع در زیورآلات سنتی کردها
۱۹۹	نتیجه‌گیری
۲۰۱	آموزش مقدماتی دوخت لباسهای محلی کردی
۲۰۱	انگشتانه
۲۰۱	سوزن

۲۰۲	سوزن نخ کن
۲۰۲	میز برش
۲۰۲	وسایل اندازه گیری
۲۰۲	متر خیاطی
۲۰۳	خط کش ساده کوچک
۲۰۳	گونیا
۲۰۳	اشل خیاطی
۲۰۳	رولت
۲۰۳	قیچی
۲۰۴	نخ چین
۲۰۴	سنجاق
۲۰۴	وسایل علامت گذاری روی پارچه
۲۰۴	میل یا گچ خیاطی
۲۰۴	صابون خیاطی
۲۰۵	کاربن مخصوص خیاطی
۲۰۵	طراحی
۲۰۵	نحوه کار با چرخ خیاطی
۲۰۵	طریقه نخ انداختن به چرخ
۲۰۶	طریقه جا انداختن سوزن
۲۰۶	طریقه برداشتن ماکو
۲۰۶	طریقه نصب ماکو
۲۰۶	رد کردن نخ از ماکو
۲۰۷	طریقه پرکردن ماسوره
۲۰۷	تنظیم نخ رو و ماسوره
۲۰۷	نقش کار پیشبر در چرخ
۲۰۷	لبه دوزی ها (پاکدوزی)
۲۰۸	عیب یابی در دوخت چرخ
۲۰۸	اگر نخ ماسوره هنگام دوخت پاره شود به یکی از دلایل زیر است
۲۰۹	شکستن سوزن هنگام دوخت
۲۰۹	مساوی نبودن بخیه ها
۲۰۹	نحوه اندازه گیری
۲۱۰	شناخت پارچه

۲۱۱	پارچه‌های کرک و پرزدار و مخملی
۲۱۱	انواع پارچه مخملی
۲۱۱	نکات لازم برای برش
۲۱۲	دوخت لباس کردی سنندجی
۲۱۲	زیرپوش آستین سرخود:
۲۱۳	نحوه دوخت
۲۱۳	شلوار:
۲۱۴	پیراهن کردی یقه سنندجی
۲۱۴	تیرنج (وجهای کناری)
۲۱۶	جلیقه مدل ۱ (سوخمه):
۲۱۷	جلیقه مدل ۲
۲۱۷	جلیقه مدل سوم
۲۲۰	دوخت لباس سقزی
۲۲۱	شلوار سقزی
۲۲۱	شال لباس سقزی
۲۲۱	لچک (روسری سه گوش)
۲۲۲	روسری شالی
۲۲۲	پیراهن سقزی
۲۲۲	طریقه برش قسمتهای مختلف لباس
۲۲۲	بندینک
۲۲۲	آستین
۲۲۳	رعایت نکات ایمنی و بهداشتی
۲۲۵	فصل دهم: پوشاک سنتی زنان قوم کرد ایلام
۲۲۵	مقدمه
۲۲۹	سرپوش زنان کرد ایلامی
۲۳۰	سربند، دستار و شال بانوان ایلامی
۲۳۱	پیسَه
۲۳۱	گُل‌وتی
۲۳۲	کساری
۲۳۳	کولاو (کلارو)
۲۳۳	روسری یا «بان‌سری»

۲۳۴	مَقَنَا یا مَقَنَه
۲۳۴	هَبَر (هه‌بر)
۲۳۵	تاکاری
۲۳۶	«سرون» کلهری
۲۳۷	تن‌پوش زنان کرد ایلام، تن‌پوش زنان ایلامی
۲۳۷	سُخْمَه (سوخمه)
۲۳۷	سُخْمَه‌ی بالدار
۲۳۸	سُخْمَه‌ی زنانه‌ی بی‌بال
۲۳۹	یَل
۲۳۹	خفتان
۲۴۰	کِرَواس یا شَوو (کراس)
۲۴۱	فرنجی (فهره‌نجی)
۲۴۲	کُله‌بال (کوله‌بال)
۲۴۲	جلیقه
۲۴۳	کُئَنجَه
۲۴۴	تون‌بون
۲۴۴	چوخاپسه
۲۴۵	شَهْمَلَه (قی‌وَن)
۲۴۵	شیوال
۲۴۶	ماشته
۲۴۶	قه‌تره (قَتْرَه)
۲۴۷	پاپوش‌های زنان کرد ایلامی
۲۴۷	کلّاش
۲۴۸	گیوه
۲۴۸	زیورآلات زنان کرد ایلام
۲۵۰	گل‌کیف
۲۵۱	بان‌گیرفانی
۲۵۲	آرایش مو و تزئین بدن در بین زنان ایلامی
۲۵۳	اعتقادات و باورهای مربوط به پوشاک در بین زنان ایلامی
۲۵۵	نتیجه‌گیری

۲۵۹.....	فصل یازدهم: پوشاک سنتی زنان کرد کرمانشاه.....
۲۵۹.....	مقدمه.....
۲۶۰.....	سرپند بانوان کرمانشاه (سروَن).....
۲۶۲.....	کلاو (کلاه).....
۲۶۲.....	رو سری (گل‌ونی).....
۲۶۴.....	دستمال سر.....
۲۶۴.....	تن‌پوش زنان کرد کرمانشاه.....
۲۶۴.....	زیرپیراهن (زیرپوش).....
۲۶۵.....	پیراهن بانوان کرمانشاه.....
۲۶۶.....	کُلُنجهیا جلزقه بانوان کرمانشاه.....
۲۶۷.....	نیم‌تنه (یل) بانوان کرمانشاه.....
۲۶۹.....	نیم‌تنه (یل) بانوان کرمانشاه.....
۲۶۹.....	قبای بانوان کرمانشاه.....
۲۷۰.....	پالتو.....
۲۷۰.....	شلوار بانوان کرمانشاه (جافی).....
۲۷۱.....	نیم شلوار یا تنکه.....
۲۷۱.....	روپوش بانوان کرمانشاه.....
۲۷۲.....	پاپوش.....
۲۷۲.....	کفش بانوان کرمانشاه.....
۲۷۲.....	جوراب یا جورُ.....
۲۷۲.....	زیورآلات زنان کرد کرمانشاه.....
۲۷۳.....	پیشینه و قدمت پوشاک زنان کرمانشاهی.....
۲۷۴.....	نتیجه‌گیری.....

۲۷۹.....	فصل دوازدهم: پوشاک سنتی و زیورآلات زنان کرد خراسان.....
۲۷۹.....	مقدمه.....
۲۸۰.....	پوشش سر.....
۲۸۱.....	پیراهن.....
۲۸۲.....	گراس.....
۲۸۳.....	مچ‌بند.....
۲۸۳.....	جلزقه.....
۲۸۳.....	پاچه‌گراس.....

۲۸۴	جوراب.....
۲۸۴	کفش زنانه.....
۲۸۴	زیورآلات زنان.....
۲۸۵	تاس کلاه.....
۲۸۵	سینه ریز.....
۲۸۵	ساجلی.....
۲۸۵	ابریشم دوزی.....
۲۸۶	سوزن دوزی.....
۲۸۶	منجوق دوزی.....
۲۸۶	سکه دوزی.....
۲۸۶	قیطان دوزی.....
۲۸۷	نتیجه گیری.....
۲۹۱	فصل سیزدهم: پوشاک ستی زنان سمنان.....
۲۹۱	مقدمه.....
۲۹۲	سرپوش ها.....
۲۹۲	سربند.....
۲۹۲	لاکی.....
۲۹۲	دستمال سر.....
۲۹۳	یاشار (چارقد).....
۲۹۳	روسری (شال، مکنه).....
۲۹۴	شال بلند ابریشمی (کژین).....
۲۹۴	تن پوش ها.....
۲۹۵	ارخالق.....
۲۹۵	شوی.....
۲۹۵	کژین شوی.....
۲۹۶	سرگیرا.....
۲۹۶	پیراهن.....
۲۹۶	کراس یا (بلوز).....
۲۹۷	شیلوار (دامن).....
۲۹۷	فراخ شوال سرپاره دار.....
۲۹۸	شلیته.....

۲۹۹.....	پوشاک نوزاد.....
۳۰۰.....	پاپوش‌ها.....
۳۰۰.....	انواع زیورآلات و آرایش مو.....
۳۰۱.....	نتیجه‌گیری.....

۳۰۳.....	فصل چهاردهم: پوشاک سنتی بانوان سیستان و بلوچستان.....
۳۰۳.....	مقدمه.....
۳۰۴.....	سرپوش‌ها.....
۳۰۴.....	کلاه.....
۳۰۴.....	لچک یا دستمال سر.....
۳۰۵.....	چارقد.....
۳۰۵.....	چادر.....
۳۰۵.....	جاوند.....
۳۰۵.....	روبند.....
۳۰۶.....	تن‌پوش بانوان سیستان و بلوچستان.....
۳۰۶.....	پیراهن بلوچی.....
۳۰۸.....	پیراهن پاچین.....
۳۰۹.....	دو گروته.....
۳۰۹.....	پی‌نر.....
۳۰۹.....	تومو.....
۳۰۹.....	جلیقه.....
۳۱۰.....	کت.....
۳۱۰.....	شلوار.....
۳۱۱.....	پاپوش زنان سیستان و بلوچستان.....
۳۱۲.....	کفش بلوچی.....
۳۱۲.....	زیورهای بانوان سیستان و بلوچستان.....
۳۱۳.....	آرایش مو و تزئین بدن در بین زنان سیستان و بلوچستان.....
۳۱۴.....	نتیجه‌گیری.....

۳۱۷.....	فصل پانزدهم: پوشاک سنتی زنان لرستان، آمیزه‌ای از زیبایی و تنوع.....
۳۱۷.....	مقدمه.....
۳۱۹.....	سرپوش زنان لرستان.....

۳۲۰.....	کَت.....
۳۲۰.....	تره.....
۳۲۱.....	لچگ.....
۳۲۱.....	می نا.....
۳۲۱.....	دستمال سر.....
۳۲۱.....	کلاه.....
۳۲۲.....	تن پوش ها.....
۳۲۲.....	بال کل.....
۳۲۲.....	ارخالق.....
۳۲۵.....	سرداری.....
۳۲۵.....	یال.....
۳۲۵.....	جلیقه (جلیزقه).....
۳۲۵.....	کلنجه.....
۳۲۶.....	فرم.....
۳۲۶.....	کراس یا جومه.....
۳۲۷.....	جوم (جوما).....
۳۲۷.....	پاکش.....
۳۲۷.....	شوال قری.....
۳۲۷.....	شاوال / پاپوش.....
۳۲۸.....	چارشو.....
۳۲۹.....	تون بون.....
۳۲۹.....	جومه (پیراهن).....
۳۲۹.....	چادر.....
۳۲۹.....	دلگ (ارخالق).....
۳۳۰.....	کفش های زنانه.....
۳۳۰.....	آزیه (آجیده).....
۳۳۱.....	آرایش و زینت آلات.....
۳۳۱.....	چوقا هنر دستی زنان بختیاری.....
۳۳۴.....	نتیجه گیری.....

۳۳۵..... فصل شانزدهم: پوشاک سستی زنان قوم لک.....

۳۳۵..... مقدمه.....

۳۳۷	ایلات و عشایر قوم لک
۳۴۰	پیشینه‌ی لک‌ها
۳۴۳	وجه تسمیه و خاستگاه لک‌ها
۳۴۴	پراکندگی و زیستگاه جغرافیایی لک‌ها
۳۴۶	پوشاک محلی قوم لک
۳۴۸	سرپوش‌ها
۳۴۸	لچک (به لکی = له‌چ‌ئی‌ک)
۳۴۹	کَت
۳۴۹	هراتی (هراتین)، گُلوتی
۳۵۰	عرق‌چین یا کلاو
۳۵۰	امیری
۳۵۱	کلهر
۳۵۱	سَروَن (سَه‌روه‌ن)
۳۵۲	بان‌سَه‌روه‌ن
۳۵۲	پاوه‌ن
۳۵۲	کِراس
۳۵۳	ژلیقه
۳۵۳	ماشته
۳۵۳	کرمه‌چین
۳۵۳	کُلنجِه
۳۵۴	سرداری
۳۵۵	کلاش (کوش)
۳۵۶	آزیه
۳۵۶	اورسی
۳۵۷	یل
۳۵۷	کرمه‌چین
۳۵۷	کِراس
۳۵۸	کِراس تریژ بالا
۳۵۹	ژی‌رجامه
۳۵۹	زیورآلات زنان لک
۳۵۹	طلسم
۳۵۹	لرزونه

۳۵۹.....	لا لرزونه.....
۳۶۰.....	یخہ دشتکی.....
۳۶۰.....	ملہوہن (مل بینک).....
۳۶۰.....	بان سرونی (بون سرونی).....
۳۶۱.....	مور.....
۳۶۱.....	درپا اوریشیم.....
۳۶۱.....	نیم لیرہ.....
۳۶۲.....	بان زلفی.....
۳۶۲.....	دہس بینک (دہسی نک).....
۳۶۲.....	دستاورنجن.....
۳۶۲.....	گو و نیم گو.....
۳۶۳.....	پاوی نک.....
۳۶۳.....	کلام آخر.....

۳۶۷.....	فصل ہفدہم: پوشاک ستی زنان خوزستان.....
۳۶۷.....	مقدمہ.....
۳۷۰.....	بخش اول: پوشاک زنان عرب خوزستان.....
۳۷۰.....	برقع.....
۳۷۲.....	شیلہ.....
۳۷۳.....	چَلَّاب.....
۳۷۳.....	بُوشِیہ.....
۳۷۵.....	بخنگ.....
۳۷۵.....	مقنعہ.....
۳۷۵.....	عَصَابہ (چرغدیہ).....
۳۷۷.....	عبایہ یا عبا (چادر عربی).....
۳۷۸.....	مزویہ.....
۳۷۸.....	بِشِیت.....
۳۷۸.....	اَتَک.....
۳۷۸.....	نَفَنُوف، ثُوب، دُرَاعِہ.....
۳۷۹.....	الباس.....
۳۷۹.....	کفش.....
۳۸۰.....	بخش دوم: زیورآلات و آرایش زنان.....

۳۸۲	زیورآلات سر و صورت
۳۸۳	چلاب
۳۸۳	چف الباده (ابولوزه)
۳۸۳	کتر
۳۸۳	گبکاب
۳۸۳	شعاعه
۳۸۴	خزامه
۳۸۴	اعران
۳۸۴	گرنفله
۳۸۴	زیورآلات گردن
۳۸۵	طوگ
۳۸۵	قابچی
۳۸۵	مکسره
۳۸۵	ضامن
۳۸۵	ازرار
۳۸۵	گلاده
۳۸۶	زیورآلات دست
۳۸۶	مگدس
۳۸۶	مفاتیل
۳۸۶	معضد
۳۸۶	خوصه
۳۸۶	خنصر
۳۸۶	تمیمه
۳۸۷	فتح
۳۸۷	زیورآلات پا
۳۸۷	حیل
۳۸۷	خلخال
۳۸۷	دوری
۳۸۸	آرایش موی زنان
۳۸۹	پوشاک نوزاد
۳۸۹	بخش سوم: پوشاک سنتی زنان لر (بختیاری) خوزستان
۳۸۹	تبان قری

فهرست مطالب ۳۱

۳۹۰	زیر پیراهن
۳۹۰	پیراهن
۳۹۰	جلیقه
۳۹۰	لچک
۳۹۱	می‌نا (مینا)
۳۹۱	تیگ‌بند
۳۹۱	پاپوش
۳۹۲	نتیجه‌گیری
۳۹۵	فصل هجدهم: پوشاک سستی و زیورآلات زنان هرمزگان
۳۹۵	مقدمه
۳۹۷	۱- سرپوش
۳۹۷	لچک
۳۹۷	جلیبیل
۳۹۸	آورنی
۳۹۸	برقع
۴۰۰	خشابه
۴۰۰	تن‌پوش
۴۰۰	انواع پیراهن‌های زنان هرمزگانی
۴۰۰	پیراهن کندوره‌ی قدیمی
۴۰۱	قمیص
۴۰۲	چادر بندری
۴۰۳	شلوار زنانه‌ی هرمزگان
۴۰۵	پاپوش
۴۰۶	سواس
۴۰۶	گیوه
۴۰۶	ملکی
۴۰۷	قبقاب (کپ‌کاپ)
۴۰۷	کوش
۴۰۷	نعلین
۴۰۸	نتیجه‌گیری

۴۱۱	فصل نوزدهم: پوشاک سنتی زنان اصفهان
۴۱۱	مقدمه
۴۱۲	سرپوش‌ها
۴۱۲	کلاه
۴۱۲	کلاه‌های گرد ساده
۴۱۳	کلاه‌های نیمه مکعبی
۴۱۳	چارقد
۴۱۴	روتری
۴۱۴	چادر
۴۱۴	انواع و اقسام چادر مورد استفاده‌ی زنان
۴۱۴	مدل کمری
۴۱۵	مدل شصتی یا انگشتی
۴۱۵	مدل مستطیلی
۴۱۵	چادر عبایی
۴۱۵	چادر چرخ‌ی
۴۱۶	پیشانی‌بند
۴۱۶	روبند
۴۱۷	نقاب
۴۱۷	تن‌پوش
۴۱۸	پیراهن کمرچین یا دورچین
۴۱۹	پیراهن پاچین
۴۱۹	پیراهن چین‌چینی
۴۱۹	بالاتنه
۴۱۹	دامن
۴۲۰	پیراهن ترکی یا راسته و اُریب
۴۲۱	پیراهن کلوش
۴۲۱	تمون (زیر جُومه/ زیر جُو)
۴۲۲	پیراهن کوتاه
۴۲۲	پیراهن راستا یا راسته
۴۲۲	شلیته
۴۲۳	تمون قَر یا قِری
۴۲۳	پیراهن راسته‌ی چاک‌دار

۴۲۳	تمون قرقری یا فردار
۴۲۴	جلیقه
۴۲۴	کت
۴۲۴	یل
۴۲۵	ارخالق
۴۲۵	شلوار
۴۲۵	شال کمر
۴۲۶	هنرهای زنان به روی پارچه
۴۲۶	یراق دوزی
۴۲۶	ابریشم دوزی
۴۲۶	منجوق، پولک، سکه و مروارید دوزی
۴۲۶	پاپوش
۴۲۷	کفش
۴۲۷	اُرسی یا کوش
۴۲۷	چاقچور
۴۲۸	آرایش و زیورها
۴۲۸	آرایش مو
۴۲۸	آرایش موی عروس
۴۲۸	آرایش صورت و دست و پا
۴۲۹	زیورآلات زنان
۴۲۹	زیورآلات مو و سر
۴۲۹	زیورآلات گردن و یقه
۴۳۰	زیورآلات دست
۴۳۱	فصل بیستم: پوشاک سنتی و هنرهای دستی زنان قم
۴۳۱	مقدمه
۴۳۲	پوشاک کار
۴۳۲	پوشاک فصل
۴۳۲	سرپوش ها
۴۳۲	پوشینه
۴۳۲	نقاب (روبندهی زنانه)
۴۳۳	روسی

۴۳۳	چارقَد
۴۳۴	چادر
۴۳۴	چادر راسته
۴۳۴	چادر عربی
۴۳۴	چادر نماز
۴۳۴	چادر مشکی
۴۳۴	چادر عبایی
۴۳۵	تن پوش ها
۴۳۵	پیراهن دورچین (پاچین)
۴۳۵	پیراهن راسته
۴۳۶	شلوار قِردار (قِری)
۴۳۶	آرخالق
۴۳۶	شلیته
۴۳۶	جلیقه
۴۳۷	شلوار
۴۳۷	پاپوش ها
۴۳۷	چاقچور
۴۳۷	گیوه
۴۳۸	نتیجه گیری
۴۳۹	فصل بیست و یکم: پوشاک سنتی زنان قشقایی
۴۳۹	مقدمه
۴۴۲	لباس زنان قشقایی
۴۴۳	چارقَد
۴۴۳	تنبان یا زیرجامه
۴۴۳	یاغلق
۴۴۴	کُینگ
۴۴۴	آرخالق
۴۴۵	صنایع دستی زنان قشقایی
۴۴۷	گلیم بافی
۴۴۷	رند بافی
۴۴۸	جَاجیم بافی

۴۴۸.....	گبه بافی.....
۴۴۹.....	چته بافی.....
۴۴۹.....	نمکدان یا تویره ی نمک.....
۴۴۹.....	جوال.....
۴۵۰.....	طناب بافی.....
۴۵۰.....	چیق بافی.....
۴۵۰.....	پشم ریزی.....
۴۵۱.....	چادر سیاه.....
۴۵۱.....	صنایع پوستی.....
۴۵۱.....	خوابگاه (مفرش).....
۴۵۱.....	بلدان.....
۴۵۲.....	کاه کش.....
۴۵۲.....	آب کش.....
۴۵۳.....	فصل بیست و دوم.....
۴۵۳.....	پوشاک سنتی زنان قزوین.....
۴۵۳.....	مقدمه.....
۴۵۴.....	انواع سرپوش ها.....
۴۵۴.....	کلاه.....
۴۵۴.....	کلاه پارچه ای.....
۴۵۵.....	چخه لوچین دار.....
۴۵۵.....	شده یا لالی.....
۴۵۶.....	چه چین.....
۴۵۶.....	زیرسری.....
۴۵۶.....	چارقند.....
۴۵۶.....	لچک.....
۴۵۶.....	تور ریشه دار.....
۴۵۷.....	لاکیه.....
۴۵۷.....	پوشین.....
۴۵۷.....	دورمل.....
۴۵۷.....	گججلی چارقند.....
۴۵۸.....	قرماخ.....
۴۵۸.....	چادر.....

۴۵۸	چادر ترمه
۴۵۸	توپوخ
۴۵۸	ایپک
۴۵۹	پیشانی‌بند
۴۵۹	کیش
۴۵۹	روبند
۴۵۹	پیچه
۴۵۹	تن‌پوش‌ها
۴۵۹	چاقچور
۴۶۰	شلیته
۴۶۰	یل (نیم تنه)
۴۶۰	تنبان
۴۶۰	پاپوش
۴۶۱	کفش
۴۶۱	گیوه تابستانی
۴۶۱	جیرایخ قابو
۴۶۲	باشماخ
۴۶۲	دمپایی
۴۶۲	نتیجه‌گیری (کلام آخر)
۴۶۷	منابع و مأخذ:
۴۷۳	تصاویر

کلیات پژوهش

مقدمه و بیان مسئله

«در سرزمین ما ایران، استفاده از پوشاک، سابقه‌ای دیرینه و کهن دارد» (شاه‌حسینی، ۱۳۸۷: ۱۲۳). ایران از دیرباز محل اسکان و زندگی اقوام مختلفی بوده است. از این رو جامعه‌ی ایران، در عین یگانگی و وحدت، از تکرر و تنوع قومی گسترده‌ای برخوردار است و همانند یک درخت، ریشه‌های زیادی را در خاک خود جای داده است» (قلانی، ۱۳۹۰: ۱۷). «ایران در طول تاریخ، همواره مرکز تحولات صنعتی، هنری و همچنین آمیزه‌ای از روش‌های گوناگون هنری اقوام مختلف بوده است» (غلامرضایی، ۱۳۹۶: ۳۵). ایلات، قبایل، طوایف و عشایر مختلفی در ایران زندگی می‌کنند که در عین تنوع آداب و رسوم، سنن و فرهنگ دارای وحدت، انسجام و یکپارچگی ملی هستند. هر یک از آنها ضمن متجلی کردن هنر و فرهنگ و تمدن این سرزمین، دارای برخی خصوصیات ویژه هستند که آنها را از دیگران متمایز می‌سازد و به آنان هویتی خاص می‌بخشد. «تمدن ایران در ادوار تاریخی، دارای سبکی از پوشاک بوده که امروزه، با وجود تأثیر پذیرفتن از سبک‌های غربی، هم‌چنان خصلت متمایز خود را حفظ کرده است. این الگوی پوشش، بر پایه‌ی فرهنگ، هنر، جهان‌بینی، زیست‌بوم، شیوه‌ی معیشت، اوضاع سیاسی و روابط این سرزمین با سایر فرهنگ‌ها، تمدن‌ها و اقوام شکل گرفته و همواره متضمن درون‌مایه‌ای است که آن را به‌عنوان پوشش ایرانی، هویت می‌بخشد» (بابایی، اکبری، ۱۳۹۳: ۹). امروزه جامعه‌شناسان در بررسی‌های میدانی خود درباره‌ی اقوام، جوامع، ایلات و اقشار مختلف اهمیتی خاص برای پوشاک و زیورآلات آنان قائل‌اند و نقش پیام‌های موجود در نقوش زیورآلات و شیوه‌های آرایش و پیرایش بدن را در شناسایی اقوام کمتر از خود لباس نمی‌دانند. به همین دلیل، نمی‌توان ارتباط پوشاک را با هنر، ادبیات، مذهب، اقتصاد، طبقه و حتی هویت اجتماعی نادیده گرفت. شناخت دقیق حوادث، انگیزه‌ها و باورداشت‌های افراد و پرداختن به حقایق امور و سرمنشاء جریانات سبب خواهد شد تا پژوهشگران درک درستی از زبان پوشاک داشته باشند» (خاچاطور، ۱۳۸۶).

لباس اقوام ایرانی، می‌تواند به‌تنهایی جاذبه‌ای بدیع برای گردشگری باشد، لباس‌هایی که هر کدام حکایت خاص خود را دارند و حتی برخی از این پوشاک، آرام آرام فراموش می‌شوند و جایشان را به زمختی لباس‌های «جین» می‌دهند. لباس‌های محلی مردم ایران، از زیباترین جاذبه‌های فرهنگی کشورمان است؛ پوشاکی که می‌تواند هم‌چون یک برند معروف، ظرفیت جهانی داشته باشد. هنوز هم میان عکس‌ها و تصاویر سیاحان خارجی در دیدار از ایران، می‌توان تصویر زیبای پوشاک محلی و لباس‌های چشم‌نواز عشایر ایران را تماشا کرد که خود، دلیلی بر جذابیت و زیبایی پوشاک محلی ایران زمین است، بازتاب فرهنگی آن در سطح جهان، به بی‌نهایت می‌رسد» (توریسم، ۱۳۹۴: ۹). «که در اهمیت این موضوع می‌توان از این سخن «تی. اس. الیوت» فرهنگ‌شناس معاصر سود جست که می‌گوید: «اگر فرهنگ ملتی بخواهد شکوفا شود، باید به صورت مجموعه‌ای از فرهنگ‌ها باشد. (بنابراین) سودی که هر یک از اجزاء متشکله‌ی آن می‌برند، در کل، منجر به سود مجموعه می‌گردد. گرچه در سال‌های اخیر بیشتر به مسائل تاریخی این قوم پرداخته‌اند و کمتر به نکات ریز زندگی و فرهنگ آن‌ها توجه نمود ه‌اند» (قلانسی، ۱۳۹۰: ۱۱). از این رو «از مهم‌ترین مشخصه‌های جوامع متمدن، ساختن و پرداختن پوشاک برای افراد مختلف جامعه است؛ چنان که در این جوامع، شاهد تفاوت پوشاک در گروه‌های مختلف شغلی، سنی، جنسیتی و ... هستیم. براساس همین پیچیدگی و طبقه‌بندی‌های متفاوت، برخی از دانشمندان چنان نقش مهمی برای پوشاک و زیورآلات قایل‌اند که حتی تعریف مجرد از انسان را بدون در نظر گرفتن لباس او، تعریفی صرفاً ذهنی می‌دانند. به همین دلیل است که ارتباط پوشاک را با هنر، ادبیات، مذهب و نیز اقتصاد، طبقه یا حتی هویت اجتماعی نمی‌توان نادیده گرفت» (بابایی، اکبری، ۱۳۹۳: ۱۰). «گرچه پوشیدن لباس برای جلوگیری از سرما و تابش آفتاب یا به منظور پوشاندن بدن و زیبایی‌های مختص آن است، اما در برخی فرهنگ‌ها، انتخاب رنگ و نقش‌های روی پارچه و تزئین لباس با منجوق‌های رنگارنگ و حاشیه‌های زردوزی و گلابتون یا چین و واچین‌ها یا دوختن

سکه‌های طلا و نقره و نیکل بر آن‌ها، معرف قومیت، شخصیت و منزلت اجتماعی افراد بوده است. در ایران امروزی هم اقوام مختلف ایرانی با توجه به فرهنگ و آداب و رسوم خاص خود، دارای لباس‌های محلی و بسیار ویژه‌ای هستند. زنان روستایی و ده‌نشین، به‌ویژه زن ایلاتی و عشایری، بنابر ذوق ملی و روح زیباپسند خود و برای ایجاد تنوع و خوشایندی در اقلیم‌های خشک و یکنواخت و دشت‌ها و بیابان‌ها، یا سرزمین‌های سبز و خرم و تطابق خود با محیط زندگی، در انتخاب شکل و رنگ پارچه جامه‌های خود، اغلب به رنگ‌های شاد و ترکیب‌های زیبا و چشم‌نواز رومی‌آورند. با این حال، نوع پوشاک محلی، از نقطه نظر منزلت اجتماعی و حتی ویژگی‌های فرهنگ ایلیاتی یا روستایی، معرف موقعیت‌های خاص در جوامع مختلف است؛ گو این که تأثیر مشاغل، محیط طبیعی و آب و هوا را در نوع لباس ایلات و عشایر نباید از نظر دور داشت» (توریسم، ۱۳۹۴: ۹). درواقع، بررسی پوشاک، می‌تواند اطلاعات مهمی درباره‌ی سیر تحول تاریخی، زیباشناسی، اعتقادات، طبقات اجتماعی و پیشرفت به‌ویژه نساجی و پارچه‌بافی یک قوم یا تمدن ارائه دهد (ایروانی و پورخسروانی، ۱۳۹۱: ۸۱-۸۲).

«امروزه با صنعتی شدن شیوه‌های تولید، تحولات پوشاک تحت تأثیر «مد»، سرعت قابل توجهی به خود گرفته است، اما در این میان، نمی‌توان تأثیر سنت‌ها و ریشه‌های فرهنگی یا حتی شرایط جغرافیایی و معیشتی را بر سبک پوشاک از نظر دور نگه داشت. ایران در طول تاریخ، محل تاخت و تاز اقوام گوناگون بوده و به این ترتیب، هر یک از این اقوام، هم‌چنان که از فرهنگ ایران تأثیر پذیرفته‌اند، به‌نحوی تأثیرگذار نیز بوده‌اند؛ به‌خصوص تجارت پارچه در پهنه‌ی جاده‌ی ابریشم، تأثیرات قابل توجهی بر پوشاک ایرانیان بر جای گذاشته است» (بابایی، اکبری، ۱۳۹۳: ۱۰).

اهمیت و ضرورت پژوهش

لباس نیز مانند زبان، هویت قومی، اجتماعی و جغرافیایی و وابستگی‌های صنفی، مذهبی و شأن و منزلت اجتماعی و اقتصادی مردم را مشخص می‌کند. برای این‌که

عملکرد اجتماعی و فرهنگی پوشاک در هویت بخشی به اعضای جامعه را دریابیم و بدانیم که چگونه پوشاک، هویت اجتماعی و فرهنگی فرد و جمع را در اجتماعات گوناگون ایلی - عشیره‌ای، روستایی - دهقانی و شهری توجیه و تبیین و آن‌ها را از یکدیگر جدا می‌کند، لازم است تن پوش‌های مردم را هم چون مجموعه‌ای از علائم زبانی مادی بررسی و تحلیل کنیم. مثلاً همان گونه که زبان، مردم و گروه‌های قومی کرد، لر، بلوچ، ترکمن و فارس را از یکدیگر جدا و متمایز می‌کند، پوشاک بومی و سنتی هر یک از این قوم‌ها نیز آن‌ها را از هم متمایز می‌سازد. بنابراین همچنان که می‌توان با تغییر زبان یک قوم هویت قومی یا فرهنگی مردم آن قوم را تغییر داد و از میان برد، از راه تغییر لباس اقوام نیز می‌توان از آن‌ها هویت زدایی کرد و شاخصه‌ی قومی - فرهنگی آن‌ها را از میانه زدود» (یارشاطر، ۱۳۸۲: ۲۰) با نگاهی به نوع پوشاک زنان این سرزمین هم‌چنان درمی‌یابیم در بین این اقوام ماندگاری و دیرینگی لباس‌های سنتی به عنوان ارزش و نمادی از فرهنگ سنتی آنان تا امروز زیبایی و تألؤ خود را حفظ کرده و در هجوم مبادلات فرهنگی، تحول و دگرگونی خاصی نپذیرفته است» (محمدی سیف، ۱۳۹۵: ۲۷).

«مطالعه پوشاک در ایران باستان طبیعتاً می‌بایست با یک توصیف دقیق از لباس قشرهای اصلی جامعه‌ی ایرانی و رابطه‌ی بین آن‌ها تکمیل شود تا اینکه بتوان صفات ممیزه‌ی مشترک آن‌ها را استخراج و به اصل زندگی این مردم نزدیک‌تر شد» (پوربهنم، ۱۳۸۶).

در این پژوهش به مطالعات جامعه‌شناختی و مردم‌شناختی حاکی از واقعیت‌های اجتماعی در زمینه‌ی پوشاک زنان اقوام ایرانی پرداخته می‌شود. پوشاک محلی، تجلی‌گاه فرهنگ و هنرهای بومی این اقوام است که دارای تنوعات بسیاری می‌باشد و «از آنجایی که این تنوعات دارای زیبایی‌ها و جذابیت‌های خاصی بوده و در نوع خود کم‌نظیر می‌باشند باعث گردیده تا نگارنده با علاقه‌ی فراوان به ذوق تحسین برانگیز آفرینندگان هنر و فرهنگ سنتی این مرزو بوم به جمع‌آوری و تهیه‌ی اطلاعات درباره‌ی خصوصیات نوع پوشاک زنان این اقوام روی آورد» (محمدی سیف، ۱۳۹۵: ۲۸). همین علاقه نیز موجب شد تا به فکر نگارش پژوهشی با موضوع پوشش زنان ایران زمین در

قالب کتاب روی آورد. از سوی دیگر به اعتقاد نگارنده، «پوشاک، نمایشگر آداب و عادات مردمان یک جامعه است و از طریق ویژگی‌های موجود در خود، می‌تواند با انسان‌ها ارتباط برقرار کند. نوع پوشش بانوان، نحوه‌ی حضور آنان در عرصه‌های فرهنگی و فعالیت‌های اجتماعی را برمی‌تاباند (اباذری، طیبی، ۱۳۹۶: ۱۵). و «پوشاک برجای مانده از این اقوام، نمونه‌های ارزشمندی هستند که پیش از آن‌که به دست فراموشی سپرده شوند، باید بیشتر مورد توجه قرار گرفته و ثبت گردند تا به نسل جوان معرفی شوند، دیگر اینکه شناسایی و آگاه ساختن جوانان از نوع پوشش این اقوام باعث می‌گردد جوانان به عنوان الگوهای پوششی خویش، از الگوهای باهویت و نمونه‌های اصیل اقوام ایرانی مایه گیرند» (محمدی‌سیف، ۱۳۹۵: ۲۸) و با تکیه بر غنای فرهنگی خویش، طرحی نو دراندازند. چرا که تولیدات صنعتی جدید و رواج بی‌حد آن‌ها با حرکت آرام و خزنده‌ی خویش در جستجوی زوال و فراموشی و از رونق انداختن نمونه‌های پوششی ارزشمند است. گرچه آن‌چه که از زیردست‌های هنرآفرین زنان سنتی بیرون می‌آید با تولیدات انبوه صنعتی قابل قیاس نخواهد بود. درواقع «زنان، تقریباً نیمی از جمعیت هر جامعه را تشکیل می‌دهند و در گذار تاریخ همراه مردان در عرصه‌ی زندگی بوده‌اند. سبک پوشش زنان در دوره‌های مختلف نمایانگر نحوه‌ی معیشت مردمان آن دوره است. اهمیت لباس از این روی است که به‌مانند کتاب گشوده، زبان رسای اوضاع فرهنگی و اجتماعی آن دوره است» (اباذری، طیبی، ۱۳۹۶: ۱۶). دلایلی که ذکر شد از اهم مواردی است که ضرورت نگارش پژوهشی به نام نوع پوشش زنان اقوام ایرانی در مناطق مختلف رقم زده است. مطالب با تحقیق توصیفی تحلیل و محتوا و با گردآوری مطالعات کتابخانه‌ای، تحقیق میدانی و با استفاده از ابزار فیش‌برداری، کارت مشاهده، بازدید از آثار، عکاسی و مصاحبه گردآوری شده است.

پیشینه و هدف پژوهش

«از دیرباز، تحقیقات بسیاری درباره‌ی انواع پوشاک و لباس‌های محلی قومیت‌های مختلف صورت گرفته است. در این پژوهش‌ها، نوع لباس هر قوم، مشخص شده است،

از جمله، جلیل ضیاءپور در کتاب «پوشاک ایل‌ها، چادرنشینان و روستاهای ایران» و حسین یآوری و شیدا سرخوش در کتاب «آشنایی با لباس‌ها و پوشاک سنتی مردم مناطق مختلف ایران» به این موضوع پرداخته‌اند (خان‌محمدی، دولتی سیاب، ۱۳۹۵: ۶۲). «پ.ا. اندروز» و «م. اندروز» (۱۳۸۲) موفق شدند در پژوهشی میدانی با عنوان «لباس ترک‌ها و کردها در آذربایجان»، در ابتدا به شرح دقیق و مفصلی از لباس ترکی در منطقه‌ی آذربایجان پرداخته و سپس درباره‌ی لباس اقوام شاهسون و قره‌داغی، اطلاعات بسیار ارزشمندی را در اختیار خوانندگان بگذارند. این دو پژوهش‌گر در نهایت شرح مفصلی از پوشاک زنان در خطه‌های میلان، زرزا، کردهای مهاباد، هرکی و ایروان داده، چنین نتیجه‌گیری می‌کنند که حفظ سیاق قومی در نوع پوشش در بین کردها بیشتر جریان داشته تا در بین ترک‌های آذربایجان (اندروز و اندروز، ۱۳۸۲). پژوهش‌هایی نیز در این خصوص یافت شد که غیرمستقیم با موضوع مورد پژوهش، مرتبط بودند و بیشتر توسط مردم‌شناسان خارجی به نگارش درآمده‌اند. از جمله‌ی پژوهش‌های «پل بسنیه»^۱ و «کرنلیس آپت لند»^۲ و «گونتر شوایتزر»^۳ که درباره‌ی عشایر شاهسون به پژوهش‌هایی پرداخته و نتیجه‌ی پژوهش‌های خویش را در مجموعه‌ی انتشارات مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی (I.S.S.R) دانشگاه تهران منتشر نموده است. تحقیقات بسنیه و آپت‌لند، مسائل مربوط به اسکان کوچندگان شبان شاهسون دشت مغان و برنامه‌ی اسکان این عشایر همراه با جابجایی فرهنگی آنها را در برمی‌گرفت. ضمناً، پیشینه‌ی پژوهشی هم در زمینه‌ی نظام زناشویی در میان شاهسون‌ها کرده بود. تحقیقات شوایتزر نیز اسکان شاهسون‌های آذربایجان و تحول ساختی در اقتصاد و فرهنگ منطقه و مردم ساکن در آنجا را در برمی‌گرفت. در این پژوهش به طور مختصر و کوتاه نوع پوشاک زنان نیز مورد بررسی قرار گرفته است (بلوکباشی، ۱۳۸۲: ۹).

1. Bessaigent, 1961

2. optLand, 1961

3. Schweizer, 1970

پژوهش‌های انجام شده در زمینه‌ی پوشاک ایرانی را به دو دسته می‌توان تقسیم کرد: گروه اول شامل انواع فرهنگ‌نامه‌ها و لغت‌نامه‌های تخصصی می‌شود، مانند: «فرهنگ البسه مسلمانان» اثر پیتر اندزی و «واژه‌نامه‌ی پارچه و لباس» اثر فریده طالب‌پور و گروه دوم به مطالعات تاریخ‌نگاری اختصاص یافته است، مانند: «پوشاک ایرانیان از سری مطالعات از ایران چه می‌دانم» اثر پیمان متین، «تاریخ پوشاک اقوام ایرانی» اثر مهرآسا غیبی و «پوشاک در ایران زمین از سری مقالات دانش‌نامه ایرانیکا» که به سرپرستی احسان یارشاطر گردآوری شده است. هم‌چنین در پژوهش دیگری نیز جلیل ضیاء‌پور در مجموعه‌ی «پوشاک ایرانیان از قرن چهارده پیش از میلاد تا آغاز دوره‌ی پهلوی»، ضمن مطالعات تاریخی خود از مقایسه نگاره‌های مکتب تبریز و اصفهان در دوره صفوی نتیجه‌گیری می‌کند که کلاه و پوشاک مردمان صفوی در دوره‌ی صفوی دوم نسبت به دوره اول تحول یافته است. هم‌چنین در این زمینه، مقالاتی نیز انتشار یافته است، از جمله مقاله‌ی «لباس‌های محلی خواف» نوشته عبدالمناف آق ارکاکلی، در سال‌های اخیر اداره‌ی کل میراث فرهنگی استان لرستان تحقیقاتی را برای معرفی و شناخت پوشش سنتی ساکنان این استان انجام داده است که از جمله می‌توان به پژوهش لیلا پهلوان با عنوان «پژوهش البسه‌ی محلی لرستان» اشاره کرد. این پژوهش به صورت کتابی در کتابخانه‌ی موزه‌ی خرم‌آباد نگهداری می‌شود. هم‌چنین در سال‌های اخیر، پژوهشگران این خطه، ابیات زیادی از تکبیتی‌های لکی شامل «مور» و «چل سرو» را که به صورت شفاهی در بین مردم رواج دارد، جمع‌آوری کرده‌اند. از بین این پژوهشگران، جهان‌شاه آزادبخت نویسنده‌ی «سروده‌ی ماندگار»، کرم‌دوستی نویسنده‌ی مردم‌شناسی ادبیات لکی، علیمردان عسکری عالم، نویسنده‌ی «فرهنگ عامه‌ی لرستان» و ده‌ها نویسنده‌ی دیگر را می‌توان نام برد (خان‌محمدی، دولتی‌سیاب، ۱۳۹۵: ۶۲).

امانگلدی ضمیر (۱۳۷۸) در مقاله‌ای به نام «پوشاک سنتی استان ایلام»، در پژوهشی مردم‌شناختی با استفاده از روش نمونه‌گیری آگاهانه تمام نواحی استان ایلام، دره‌شهر، دهلران، مهران، شیروان و... را مورد بررسی قرار داده و به شرح کاملی از تمامی پوشاک

زنان به عنوان مثال از سرپوش تا پاپوش پرداخته است. این مجموعه تنها مأخذی است که به معرفی پوشاک استان ایلام در سه بخش زنان، مردان و نوزادان اختصاص دارد. نگارنده به طور اجمال پوشاک زنان کرد، انتخاب رنگ پارچه و تزیینات آنان را به دقت بررسی کرده و چنین نتیجه‌گیری می‌کند که نوع پوشاک زنان معرف شخصیت و منزلت اجتماعی و یا موقعیت اقتصادی آنان بوده و همین طور معرف ویژگی‌های فرهنگی سرزمین کردها می‌باشد (ضمیر، ۱۳۷۸).

ضیاءپور (۱۳۴۶) در پژوهشی با عنوان «پوشاک ایل‌ها، چادرنشینان و روستاییان ایران»، پس از تبیین جغرافیایی و قومی گروه‌های ترک و کرد و لر، با نگاهی مردم‌شناختی نخست تن‌پوش زنان را که از تنوع و گوناگونی بیشتری برخوردار است را تحلیل و سپس تن‌پوش و پوشاک مردان در هر گروه را به طور مفصل مطرح و معرفی و تفاوت‌ها و همگونی‌های پوشاک در هر گروه را بیان می‌کند. در بخشی از پژوهش، نگارنده «پوشاک کردها» را به چهار زیرگروه پوشاک کردستانی، کرمانشاهی، آذربایجانی و قوچانی تقسیم می‌شود. در این میان نتیجه می‌گیرد پوشاک کردهای قوچان (زعفرانلو) و بجنورد (شادلوها) به عنوان کردهای ساکن شمال خراسان با پوشاک گروه‌های سه‌گانه‌ی دیگر تفاوت بیشتری دارد. همچنین به معرفی و شناسایی پوشاک در آذربایجان شرقی و خوزستان نیز می‌پردازد. و درمی‌یابد که در آذربایجان شرقی اختلاطی از پوشاک اقوام ایرانی چون گیلانیان، قشقایی‌ها، بختیاری‌ها، کرمانشاهان و ... وجود دارد که حاصل اختلاط این فرهنگ‌ها با یکدیگر می‌باشد (ضیاءپور، ۱۳۴۶).

در پژوهشی میدانی که شیرین محسنی (۱۳۸۲) با عنوان «لباس کردی در ایران» انجام داده، به شرح نوع پوشاک زنان کردی در نقاط مختلف ایران، آذربایجان غربی، کردستان، کرمانشاه و خراسان پرداخته، ابتدا شرح لباس زنان کرد و سپس لباس مردان این خطه را مورد بررسی قرار می‌دهد. و در ادامه درباره‌ی تنوعات البسه و لباس کردی کرمانشاه به تفصیل سخن می‌گوید و در نهایت به اشتراکاتی در نوع پوشش زنان آذربایجان غربی و مهاباد دست یافته، چنین نتیجه می‌گیرد که سبک پوشاک زنان در بین نواحی و طبقات

اجتماعی مختلف کردها، تنوعات قابل توجهی وجود دارد که در نوع خود بی‌نظیر است (محسنی، ۱۳۸۲). همچنین «شیرین محسنی، تنوع مختصر در لباس کردی را بیانگر «تفاوت‌های سنی، طرح دوخت برای موقعیت‌های خاص، یا تطابق با تغییر فصول دانسته؛ بدین معنی که پارچه‌ی استفاده شده برای پوشاک افراد مسن، حجیم‌تر از جوانان بود و انتخاب رنگ‌ها، بستگی به نوع مراسم (سور یا عزا) داشت، علاوه بر این‌ها در زمستان به جای تغییر در سبک پوشاک، فقط بر وزن آن‌ها افزوده می‌شد» (آقاییگی، ۱۳۹۲: ۱۰).

روشنک رهو در پژوهشی به سال ۱۳۸۱ به نام «پوشاک زنان کرد»، نوع پوشش زنان کرد را در طی سالیان دراز با استفاده از پژوهشی میدانی در منطقه‌ی کردستان مورد بررسی قرار می‌دهد. رهو، پوشاک را بارزترین سنبل فرهنگی، مهمترین و مشخص‌ترین مظهر قومی و سریع‌الانتقال‌ترین نشانه‌ی فرهنگی می‌داند که حتی در بعضی جاها تحت تأثیر پدیده‌های فرهنگی همچون باورهای عامیانه و اعتقادات و قرار می‌گیرد. رهو، پوشاک را یکی از عناصر بارز فرهنگی و نشانگر بخش عظیمی از نیازهای مادی و معنوی خواننده که چگونگی پاسخ به این نیازها را نشانگر دانش فرهنگی و نظامات، تصورات و تفکرات و عقاید و باورها و جهان‌بینی‌های یک گروه قومی نهفته می‌داند که باعث شده زنان کرد چنین نوع پوشاکی را در جامعه‌ی خویش اختیار کنند (رهو، ۱۳۸۱).

در پژوهشی دیگر با عنوان «لباس کردها» که به قلم عیسی بهنام در سال ۱۳۳۹ نگارش گردید، بهنام به لباس زنان و مردان سنندج، مریوان، کلهر، سنجاب، سقز، مهاباد و بانه پرداخته و زیباترین نوع لباس زنان کرد را در نوع پوشاک زنان سنندج می‌داند. پوشاکی که در موزه‌ی مردم‌شناسی دو نمونه از آن موجود بوده که در حدود صد سال پیش دوخته شده و توسط یکی از خانواده‌های سنندجی به موزه هدیه داده شده، بهنام با توصیف کامل پوشاک کردها، نوع لباس آن‌ها را بسیار بلند و پوشیده دانسته و معتقد است که در طی سالیان دراز با وجود پوشاک جدید در عهد پادشاهان مختلف مثل صفویه و قاجار و... تغییر و تحولی در نوع پوشاک مردمان کرد روی نداده و همچنان تا به امروز زیبایی و طراوت خود را حفظ کرده است (بهنام، ۱۳۳۹).